



دیوان اشعار آیینی اسماعیل بروجردی



مصطفی لعل شاطری



بسم الله الرحمن الرحيم



اسماء صریح و آسان

بر سرگذشت بروجردي (سرباز)، اسماعيل، قرن ۱۳ ق.
 ديوان
 سرافقه‌شاهه (ديوان سرباز)
 نويسنده اسماعيل بروجردي، (اصحاح) مصطفی
 لعل شاطري، (برای) آفرينش‌های ادبی استان لرستان.
 تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۹.
 ۳۷۲ ص.
 ۶۷۸-۶۰۰-۰۲-۳۱۸۸-۷
 فيفا
 کتابخانه، ص. ۲۶۲.
 ديوان سرباز.
 حسين بن علي عليه السلام، ۶۱-۶۲ ق. - مرثی
 Hosayn ibn Ali, Imam III, 625-680
 Elegiac poetry
 شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۳ ق.
 Religious poetry, Persian
 19th century
 مرثیه و مرثیه‌سرایی - قرن ۱۳ ق.
 19th century - Elegiac poetry
 واقعه کربلا، ۶۱ ق. - شعر
 Karbala, Battle of, Karbala, Iraq,
 680-Poetry
 لعل شاطري، مصطفی، ۱۳۶۸ -
 سازمان تالیفات اسلامی، اداره کل تالیفات
 اسلامی استان لرستان، آفرینش‌های ادبی استان لرستان
 PIR ۷ / ۸۵
 ۸۱ / ۵
 شماره ثبت کتابخانه ملی ۵۷۳۹۲۲



دیوان اشعار آیینی اسماعیل بروجردی



مصطفی لعل شاطری





باسم
پژوهش
توسعه
این کتاب
مهرکت
نماید

(وابسته به حوزه هنری)

فرهنگ‌های ادبی مراکز استانی /



دیوان اشعار آیینی اسماعیل پروچردی

مصطفی امل شاطری

امیر علایی

کیتوش کشوری

ولامیرداز قلچش

۱۳۹۹

نسخه ۱۲۵۰

۹۷۸-۶۰۰۰-۳-۳۱۸۸-۷

تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک

۲۳، تلفن ۰۲۱۹۴۲۶۱۹۵۱، دورنگار ۶۶۴۶۹۹۵۱

تهران، خیابان سمیه، ترسیده به خیابان

حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن ۰۲-۸۸۹۴۹۷۹۱

تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،

جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۲۳، تلفن ۰۹-۶۶۴۷۶۵۶۸

اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،

کلپستی ۸۱۱۳۶۱۴۵۱، تلفن ۰۶-۳۲۳۴۷۷۳۵، ۰۲۱

Sooremehr.ir

Mehrak.ir

@Sooremehr

(پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳

۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

۳۰۰۵۳۱۹

تلف و چاپ (در شماره) موجود به اجازت رسمی فرستاده است

دانلود کتابخوان سوره مهر

با وارد کردن کد تخفیف phisama در اولین خرید خود از کتابخوان سوره مهر ۷۵٪ تخفیف بگیرید



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵
نمادهای شیعی در باور جمعی.....	۱۶
مرثیه سرایی در شأن اهل بیت (علیهم السلام).....	۱۸
روح شیعی در لرستان و پرورش اسماعیل بروجردی.....	۲۲
زندگی نامه.....	۲۳
جایگاه مردمی سرباز.....	۲۵
آسرار الشَّهاده.....	۲۹
محتوای دیوان.....	۳۶
دیباجه.....	۵۷
مجلس اول: رحلت خاتم الانبیاء و سید الاصفیا محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله).....	۶۵
آمدن حضرت فاطمه (علیها السلام) به دیدن حضرت و جواب دادن پیغمبر (صلی الله علیه و آله).....	۷۱
آمدن حسن (علیه السلام) به خدمت جناب پیغمبر (صلی الله علیه و آله).....	۷۳
وصیت نمودن خاتم انبیاء (صلی الله علیه و آله) به سید اولیاء (علیه السلام).....	۷۳
آمدن عزرائیل به خدمت سید الانبیاء (صلی الله علیه و آله) و داخل شدن به خانه.....	۷۴
آمدن جبرئیل از نزد خداوند جلیل و جواب دادن حضرت، جبرئیل را وداع نمودن.....	۷۴
پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اهل بیت (علیهم السلام) خود را.....	۷۵
مجلس دوم: وفات بانوی حرم کبریاء فاطمه زهرا (علیها السلام).....	۷۹
اذان گفتن بلال و جمع شدن اهل بیت (علیهم السلام) به دور فاطمه (علیها السلام).....	۸۵
خبردار شدن سرور اولیاء علی مرتضی (علیه السلام) از بیماری حضرت فاطمه (علیها السلام).....	۸۶

- ۸۹..... مکالمات حضرت سید اولیاء علیہ السلام با فاطمه زهراء علیہا السلام
- ۹۰..... آمدن حسنین علیہما السلام به خدمت حضرت فاطمه علیہا السلام
- ۹۱..... مناجات کردن حضرت فاطمه علیہا السلام به درگاه قاضی الحاجات
- ۹۲..... واقعه‌ای که بعد از فوت حضرت زهراء علیہا السلام از آن خاتونِ دوسرا به عرصه ظهور رسید.....
- ۹۳..... مجلس سوم: فضایل و شهادتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیہ السلام
- ۹۶..... حدیث نورانی (از کتاب مشارقُ الأنوارِ من تألیفات شیخ رجب بُرسی)
- ۹۷..... ذکر حدیث
- ۱۰۳..... ذکر حدیث بساطِ امیرِ قاتلِ الکفر؛ حضرت امیرالمؤمنین علیہ السلام
- ۱۰۹..... حدیثِ بساط
- ۱۱۳..... فرمان دادن حضرت، باد را که صحابه را برداشته روانه مغرب شو
- ۱۱۵..... فرمان دادن امیرمؤمنان علیہ السلام باد را به جانبِ سدِّ اسکندر ذوالقرنین
- ۱۱۷..... دیدن یاجوج و مأجوج و حالات ایشان
- ۱۱۸..... زنده کردن اسدالله الغالب، امیرالمؤمنین علیہ السلام، سام بن نوح علیہ السلام را به اعجاز
- ۱۲۰..... دیدن صحابه مَلکی را که مُوکل است به آوردن شب و روز
- ۱۲۱..... رسیدن صحابه به کوه قاف و دیدن فرشته و مرخص شدن او
- ۱۲۳..... تتمه حدیثِ بساط
- ۱۲۴..... پیکان کشیدن از پای امیرمؤمنان علیہ السلام
- ۱۳۱..... سب کردن مروان امیرمؤمنان علیہ السلام را و بیرون آمدن دست پیغمبر صلی الله علیه و آله از مرقدِ مطهر.....
- حدیث چهارمذهب که در ایام خلافت عُمر، پادشاه روم به مدینه فرستاد و مُعجز نمودن اسدالله الغالب علیہ السلام
- ۱۳۳.....
- ۱۳۵..... فرستادن چهار عالم از جانبِ پادشاه روم و خبر شدن عُمر از آمدن ایشان
- ۱۳۶..... آمدن چهار عالم نزد حضرت اسدالله الغالب علیہ السلام و مُعجز نمودن آن حضرت
- ۱۳۹..... شهادتِ مظهرِ آنوارِ خدا و مَهبطِ اسرارِ هُدی؛ علی مرتضی علیہ السلام
- آمدنِ حضرت زینب علیہا السلام و سپس مرغابیان به سر راه و گرفتن حلقه در کمر بند
- امیرمؤمنان علیہ السلام و ممانعت نمودن از رفتن به مسجد
- ۱۴۵.....
- رفتنِ امیرمؤمنان علیہ السلام به مسجد و بیدار کردن ابنِ ملجم از خواب
- ۱۴۶.....

آوردن ابن ملجم را صحابه کبار به خدمت حیدر گزار و وصیت فرمودن حضرت	 ۱۴۸
اعجاز نمودن علی اعلیٰ بعد از شهادت خود	 ۱۴۹
مجلس چهارم: شهادت امام حسن	 ۱۵۱
مجلس پنجم: شهادت مسلم ابن عقیل	 ۱۶۱
رفتن مسلم و منزل نمودن در خانه مختار و خطبه خواندن در مسجد کوفه	 ۱۶۶
شهادت طفلان مسلم	 ۱۷۲
مجلس ششم: وداع نمودن حضرت سیدالشهداء و وقایع کربلاء	 ۱۷۹
نامه نوشتن کوفیان به سیدالشهداء و حکم به حضرت عباس در بابت تهیة سفر	 ۱۸۶
وداع حضرت سیدالشهداء، فاطمه صغرا را و خاک کردن در شیشه و به جدّه خود دادن و حرکت از مدینه به کربلاء	 ۱۸۸
ورود موکب سیدالشهداء به کربلاء و نامه نوشتن یزید علیه اللعنه و العذاب به ابن زیاد	 ۱۹۱
شهادت حُزَین یزید ریاحی	 ۱۹۳
رسیدن حُزَیبه خدمت سیدالشهداء و اذن جنگ خواستن	 ۱۹۶
شهادت حبیب ابن مظاهر	 ۱۹۷
شهادت وهب	 ۲۰۰
نصیحت کردن مادر وهب، وهب را	 ۲۰۲
شهادت علی اکبر	 ۲۰۴
رفتن حضرت زینب به نزد علی اکبر و فرمایشات امام را بیان نمودن	 ۲۰۷
رفتن علی اکبر به میدان و گفتگو نمودن با ابن سعد	 ۲۰۹
شهادت خلاصه ناس؛ حضرت عباس	 ۲۱۲
آمدن شمر در برابر حضرت عباس	 ۲۱۶
رفتن به سرآب فرات و شهید شدن حضرت عباس	 ۲۱۷
شهادت قاسم	 ۲۱۹
رفتن مادر قاسم نزد زینب و فرمایش امام را بیان نمودن و تهیة عروسی دیدن	 ۲۲۳
آمدن حضرت سجاد و برگ دعوت به قاسم پوشیدن و رفتن او به خدمت سیدالشهداء	 ۲۲۵

- ۲۲۷..... مکالمهٔ قاسم علیه السلام با عروس و سپس رفتن به خدمت سیدالشَّهداء علیه السلام و اذن جنگ خواستن
- ۲۲۸..... آمدن طفلانِ آزرَقِ شامی به محاربهٔ قاسم علیه السلام و کشته شدن آن‌ها
- ۲۲۹..... شهادتِ علی اصغر علیه السلام
- ۲۳۳..... حکایتِ گریه کردن یعقوب علیه السلام از فراقِ یوسف علیه السلام و مشاهده نمودنِ شهید شدنِ علی اصغر علیه السلام
- ۲۳۶..... قاصِدِ صبا از زبانِ فاطمهٔ صغراء علیه السلام به جهتِ سیدالشَّهداء علیه السلام
- ۲۴۳..... شهادتِ طفلانِ زینب علیه السلام
- ۲۴۷..... زَعْفَرِ جَنّی
- ۲۵۰..... دیدنِ عابدِ زَعْفَرِ جَنّی را و از او سؤال کردن
- ۲۵۳..... مناجاتِ سیدالشَّهداء علیه السلام به درگاهِ خداوند و به میدان رفتن
- ۲۵۵..... پادشاهِ هندوستان و شیر در روز عاشورا
- ۲۵۸..... رسیدنِ حضرتِ سیدالشَّهداء علیه السلام به یاری شاهِ هندوستان
- ۲۵۹..... فرستادنِ نَصارا از سوی ابنِ سعدِ ملعون به قتلِ سیدالشَّهداء علیه السلام و مسلمان شدنِ نَصارا
- ۲۶۴..... شهادتِ عبدالله
- ۲۶۷..... شهادتِ جنابِ سیدالشَّهداء علیه السلام
- ۲۷۱..... بَراقِ پوشیدن و عِنانِ داریِ جبرئیلِ ذُو الْجَنّاحِ را و به میدان رفتنِ حضرت
- ۲۷۳..... رَجَز خواندنِ سیدالشَّهداء علیه السلام در میدانِ آمدنِ ابنِ سعد به خدمتِ حضرت و گفتگو نمودن
- ۲۷۶..... آمدنِ سیدالشَّهداء علیه السلام بر سرِ تَعَشیِ شهداء
- ۲۷۷..... آوردنِ جبرئیل، حُجَّتی را که سیدالشَّهداء علیه السلام در عالمِ دَرّادَه بود و مناجاتِ حضرت
- ۲۷۸..... زخم‌های مبارکِ حضرت چرا همه در پیشِ رویِ آن جناب بود
- ۲۷۹..... جدالِ شمر با سیدالشَّهداء علیه السلام و معجزهٔ آن حضرت
- ۲۸۲..... آمدنِ ذُو الْجَنّاحِ به خیمه و شهربانو را بُردن
- ۲۸۴..... سُرخ کردنِ ذُو الْجَنّاحِ یالِ خود را از خونِ مبارکِ آن حضرت
- ۲۸۵..... سوار شدنِ شهربانو به ذُو الْجَنّاح و رفتن از کربلاء و دیدنِ نقاب‌دار را
- ۲۸۹..... مجلسِ هفتم: بعد از شهادتِ سیدالشَّهداء علیه السلام
- ۲۹۳..... روشن شدنِ چشمِ دخترِ یهودی از مُعْجِزَهٔ خونِ سیدالشَّهداء علیه السلام
- ۲۹۴..... گفت و گو کردنِ دخترِ اعمی با مرغ و بیهوش شدن از هاتِفِ غیبی

فرستادنِ فَصَّه را حضرت زینب علیها السلام و آمدن شیر به قتلگاه.....	۲۹۵
غارث کردن سپاه اشقیاء خیمه حضرت را.....	۲۹۹
نهیب دادن هاتِف به لشکر کوفی از غارت کردن خیمه گاه و بیرون آمدن اهل بیت علیهم السلام	۳۰۱
بُردن اهل بیت علیهم السلام به شام و گذشتن زینب خاتون علیها السلام از کنار قتلگاه.....	۳۰۳
مناجات نمودن حضرت زینب علیها السلام در کنار قتلگاه.....	۳۰۴
خطاب حضرت زینب علیها السلام به هُدْ هُدْ شهر سبا.....	۳۰۵
مُعْجِزَةُ جَنَابِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ علیهم السلام	۳۰۶
دفن کردن حضرت سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ علیهم السلام	۳۰۸
آمدن قوم بنی اسد و حضرت سَجَاد به دفنِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ علیهم السلام	۳۱۰
در حکایت دیر و راهب.....	۳۱۱
رسیدن شمر ملعون به دیر و تفتحص نمودن دیرانی از آن گروه پُر جَفَاء از احوالِ سرها.....	۳۱۲
بیرون آمدن از منزل خود و دیدن انبیاء را به دیدن سر.....	۳۱۴
آمدن جناب امیرالمومنین علیه السلام و گفتگو کردن سر مبارک سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ علیهم السلام با مادرِ خویش.....	۳۱۵
گفتگو نمودن پیر راهب با سر مبارک حضرت سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ علیهم السلام و اسلام قبول کردن.....	۳۱۷
خولی و سر مبارک حضرت.....	۳۱۸
وارد شدن اهل بیت علیهم السلام به شامِ خراب.....	۳۲۱
آوردن سر مبارک سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ علیهم السلام به مجلس و گفتگو کردن یزید با امام زین العابدین علیه السلام	۳۲۲
حکم کردن یزید به جلاد به قتل امام زین العابدین علیه السلام و رو کردن زینب خاتون علیها السلام به مرقد مطهر پدر بزرگوار خود و یاری جستن از او.....	۳۲۳
مرخص کردن یزید علیه اللعنه اهل بیت علیهم السلام را از شام و اسبابِ پس دادنِ لشکر.....	۳۲۴
رسیدن اهل بیت علیهم السلام به کربلاء.....	۳۲۶
مجلس هشتم: شهادتِ امام موسی کاظم علیه السلام	۳۲۷
روانه کردن هارون کنیز خود را به زندان که بر حضرت، مَکْر کند.....	۳۳۲
طلب کردن قومِ عَرَعَر را هارون از حوالی شهر فرنگ به جهتِ قتلِ حضرت.....	۳۳۷
فرستادنِ رُطَبِ زهر آلود هارون ملعون جهتِ حضرت.....	۳۳۹
خوردن رُطَبِ آن حضرت و شاد شدنِ آن ملعون.....	۳۴۲

- معجزه آن حضرت در زندان و شهادت ۳۴۳
- مجلس نهم: شهادت امام رضا علیه السلام ۳۴۵
- خواب دیدن جناب امام رضا علیه السلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله را ۳۴۸
- خوف کردن مأمون پلید و مشورت نمودن با وزیر خود در باب آن حضرت ۳۴۹
- نامه گرفتن مأمون از اهل خراسان و سلیمان را روانه نمودن و آمدن امام رضا علیه السلام از مدینه به طرف خراسان ۳۵۰
- رسیدن امام رضا علیه السلام به غار و مهمان عابد شدن و معجزه آن حضرت ۳۵۳
- ضامن گردیدن حضرت آهورا به صیاد ۳۵۵
- رسیدن حضرت رضا علیه السلام به دریاغ و انگور خواستن و ندادن باغبان و سوختن باغ ۳۵۷
- حکایت دِعِل خُزاعی و مُعْجِزه آن حضرت ۳۵۹
- آمدن دو کوه به استقبال حضرت ۳۶۱
- حکایت نور و ظلمت و افشای این سِر [ماجرای ولیعهدی] ۳۶۲
- در تابوت گذاشتن پیر زال فرزند خود را به گفته مأمون لعین ۳۶۳
- رفتن حضرت امام رضا علیه السلام به شیرخانه و عرض کردن شیر احوال خود را به حضرت ۳۶۵
- دعا نمودن حضرت جهت بارش آمدن ۳۶۷
- بی ادبی کردن حمید بن مهران به حضرت امام رضا علیه السلام و حکم حضرت به شیران که در روی نمَد نقش بودند و خوردن حمید را ۳۶۹
- کمر بستن مأمون در باب زهر دادن به حضرت امام رضا علیه السلام ۳۷۱
- رفتن حضرت رضا علیه السلام به خلوت مأمون و زهر نوشیدن ۳۷۳
- مجلس دهم: تولد حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۷۹
- آمدن جناب حکیمه خاتون خواهر امام حسن عسکری علیه السلام به زیارت و گفتن حضرت امام به حکیمه خاتون که امشب حضرت به ظهور می رسد ۳۸۳
- ناگه دیدن حکیمه خاتون: دستی از غیب پیدا شد و پرده سفیدی نرجس خاتون را احاطه نمود و از دورن پرده تکبیر جناب صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف برخاست به صدای جناب علی بن ابی طالب علیه السلام ۳۸۴
- دیدن حکیمه خاتون ظهور صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف را و جبرئیل امین به صورت مرغ سفید و

۳۸۶	حضرت قائم علیه السلام را به عرش بُردن
۳۸۸	آوردن جبرئیل حضرت صاحب علیه السلام را بعد از چهل روز
۳۹۱	ضمائم
۳۹۲	مجلس اوّل: تولّد جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله
۳۹۳	قصیده در مدح پیغمبر صلی الله علیه و آله
۳۹۴	مجلس دوم: قصیده در وصف حضرت فاطمه علیها السلام
۳۹۶	مجلس سوم: قصیده در مدح امیرالمومنین علی علیه السلام
۳۹۷	قصیده‌ای دیگر در مدح حضرت
۳۹۹	مجلس ششم: قصیده در شأن علی اکبر علیه السلام
۳۹۹	قصیده در شأن سیدالشهداء علیه السلام
۴۰۰	مجلس هفتم: عالم ذرّات و سیدالشهداء علیه السلام
۴۰۳	پیغام آوردن جبرئیل به سیدالشهداء علیه السلام
۴۰۵	جواب دادن سیدالشهداء علیه السلام به جبرئیل و نوشیدن جامِ بَلاء را و مناجات کردن
۴۰۶	حکایت شیخ عرب
۴۰۷	مصیبت حضرت زینب علیها السلام
۴۰۷	شهادت حضرت سیدالشهداء علیه السلام به طریق مُقیل
۴۱۳	غزلیات عاشورایی
۴۲۲	تضمین
۴۵۴	ترکیب‌بند
۴۶۴	فهرست منابع

پیشگفتار

حفظ و انتشارِ متونِ مراثی ائمه علیهم‌السلام، یکی از رسالت‌های سترگ فرهنگی محسوب می‌شود که در دورهٔ معاصر از سویی موجبِ مدد رسانی به جریانِ هویت‌سازی در میان اقشار گوناگون جامعهٔ اسلامی و از سوی دیگر، زمینه‌ساز انجام تحقیقات نوین در این خصوص می‌گردد. از این منظر، یکی از رسالت‌های پژوهشگران، شناسایی آثارِ موجود در این حوزه و سپس همت نهادن در راستای احیاء آن است. مبتنی بر این نگرش، پس از بررسی آثارِ مراثی موجود در کتابخانه‌ها (داخلی و خارجی) و نیز مراکز آرشیوی (عمومی و شخصی)، یکی از آثار فاخر در این زمینه، متعلق به دوره قاجار، تحت عنوان «أسرار الشَّهادَه (دیوان سرباز)»، اثر اسماعیل بروجردی (وفات ۱۲۸۹ق)، ادیب و شاعر لرستانی شناسایی و به احیاء آن پرداخته شد.

أسرار الشَّهادَه (دیوان سرباز) نخستین بار (۱۲۶۸ق) با بهره‌گیری از چاپ سنگی در دوره قاجار منتشر شده است. با توجه به انتشار این اثر در سال‌های مختلف تا پایان دوران حکمرانی قاجار که نشان‌گر خواستِ فزاینده از سوی مخاطبین می‌باشد تاکنون تلاشی برای احیاء آن صورت نگرفته است. بر این اساس، با الگوی امانت‌داری در بررسی متن، اثر مذکور در یک دیباچه، ده مجلس و بخش ضmann به سامان رسیده است تا علاوه بر رعایت خطِ سیر و قایع، انسجام و پیوستگی متن نیز حفظ شود. با توجه به این‌که تاریخ انتشارِ نخستین چاپِ أسرار الشَّهادَه مربوط به سال ۱۲۶۸ق. می‌باشد، برای جلوگیری از بروز خطاهای احتمالی همچون: اشتباهات سهوی و یا دخل و تصرف‌های عمدی در زمان انتشار، برای دستیابی به متنی کامل با مبنا قرار دادن نسخه چاپِ اوّل، دوازده نسخه منتشر شده در سال‌های دیگر نیز مورد مذاقه قرار گرفته و در متنِ نهایی اعمال شده است. با این حال برای سهولت کار مخاطبین (در کلیه سطوح علمی و ادبی) در مطالعهٔ دیوان، در هر مجلس، مقدمه که نثری نسبتاً فنی و دشوار دارد به صورت خلاصه آورده شده و قسمت‌های حذف‌شده نیز با علامت [...] مشخص

گردیده است. اعراب‌گذاری کلمات برای خواندن آسان‌تر و استفاده از توضیحات پاورقی در دو قالب ترجمه لغات و نیز توضیحات تکمیلی، از دیگر نکاتی است که در این اثر مدّ نظر قرار گرفته است. ضمن این که در ذکر توضیحات تکمیلی که با هدف درک بهتر خواننده از متن صورت پذیرفته، از منابع تحقیقاتی استفاده شده است. در این بین، برای حفظ هویت اثر، از اعمال تغییر در ترتیب بخش‌های مجالس (با وجود تقدم و تأخر در ذکر وقایع) خودداری و عملاً منطبق بر نگرش ساختاری مد نظر مولف، به احیای اثر پرداخته شده است.

در خلال احیاء این اثر فاخر، دشواری‌های متعددی مانند صعوبت در دستیابی به نُسخ، وجود داشت که بدون شک، اگر متولیان بعضی از مراکز اسناد، با سَمَاحت نظر بیشتری برخورد می‌کردند، بسیاری از موانع مرتفع می‌گردید. با این حال، کتابخانه‌ها و مراکز علمی بسیاری در روند این احیاء و دستیابی به منابع مورد نیاز نقش داشته‌اند که ذکر نامشان بایسته است. مسئولین بخش نُسخ خطی در: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی (کتابخانه مرکزی)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در این راه یار و همراه بوده‌اند و بی‌شک اگر عنایت الهی، محبت مسئولین فعال در این مراکز را شامل حال صاحب این قلم نمی‌کرد، آنچه در این ایام به انجام رسید، ناممکن می‌شد. همچنین بر خود لازم می‌دانم که ضمن سپاسگزاری از آقای محمّد کرم الهی رییس حوزه هنری استان لرستان و نیز آقای محمد حسین امیدی پور رییس پیشین مجموعه از دوست گرامی آقای کیانوش کشوری (مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری استان لرستان) که با مناعت طبع به مطالعه چند باره این اثر پرداخته و علاوه بر ویراستاری کتاب در رفع ابهامات متن و شرح حواشی آن، نگارنده را یاری نمودند تشکر و قدردانی نمایم. از خداوند سبحان، آرزومند توفیقات روزافزون ایشان می‌باشم.

به انجام و اِختِتام آمد احیاء این کتابِ مُستطابِ اسرار الشَّهاده، فصاحت
شعار، بلاغت آثار، بُلْبُلِ گلستانِ عزاداری و شمع شَبستانِ سوگواری،
اسمعیل خان سربازِ بروجردی، به سعی عبید مسکین ابن مسکین الرَّاجی؛
مصطفی لعل شاطری عفی الله عن جرائمها. امیدوارم که از کرم عَمیم
و لُطفِ جَسیم، اگر چنانچه سَهو نِسیانی یا غلطی در این احیاء به هم
رسیده عفو فرمایید (برگرفته از متن پایانی کاتب).

مقدمه

یکی از موضوعات مطرح در زیرساخت‌های فکری جامعه ایران، عنصر دین و مذهب محسوب می‌گردد چرا که می‌توان کلیه اقشار را از آن متأثر دانست. با دستیابی دولت صفویه (۱۱۳۵-۹۰۵ق) به قدرت و اعلام رسمی تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران از سوی شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۵ق)، توجه به تشیع و نمودهای آن نسبت به ادوار قبل با رویکردی ویژه در سطح جامعه و کلیه جریان‌های فرهنگی همچون حوزه ادبیات مورد توجه قرار گرفت؛ این در حالی است که تا پیش از آن نیز پرداختن به مضامین شیعی در آثار ادیبان قابل مشاهده بود؛ اما در این دوره و پس از آن (قاجاریه)، با تأکیدی بیش از پیش در دستور کار حامیان و خالقین آثار ادبی قرار گرفت. در این بین موضوعی که مشهود است، تأثیرپذیری اهل هنر و ادب از جامعه‌ای است که در آن باورهای شیعی غالب و در ساختاری برای تبیین اندیشه‌های ملی-مذهبی بیان می‌گردد. بر این اساس، هنرمندان به عنوان یکی از اقشار مؤثر در قوام این جریان در تلاشند تا با نگرشی اختصاصی مبتنی بر هنجارهای حاکم و از سویی در راستای مطالبات مخاطبین به خلق اثر بپردازند. البته در این بین، علایق شخصی شاعر نیز موضوعی است که بر کیفیت ظاهری و محتوایی اثر تولیدی تأثیرگذار بود.

از جمله موضوعاتی که در این میان در جامعه شیعی ایران به عنوان یکی از نمادهای مورد استقبال فردی و جمعی مورد توجه قرار گرفت، شهادت معصومین علیهم‌السلام بود. به طور معمول از این وقایع به عنوان حوادث غم‌انگیز عرصه دین، در گستره تاریخ، تفسیر و تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌شد و راویان مختلف در آثار منظوم و منثور مبتنی بر خوانش دینی و نیز باورهای حاکم و گاه مبتنی بر خواست فراینده مخاطبین و نگرش حامیان -خواه درباری و خواه توده مردم- آن را به نحوه‌ای انحصاری و گاه توأم با گرته‌برداری از آثار پیشینیان روایت می‌نمودند. بر این اساس، رویکردی ویژه در نگاه راویان وقایع شهادت معصومین علیهم‌السلام به ویژه در دوره صفوی و قاجار ایجاد

گردید که شاید بتوان آن را تبدیل تاریخ‌نگاری به داستان‌نویسی برای بخشیدن وجهه عمومی به موضوعات خاصی در تاریخ اسلام نامید. عمده‌ترین دلیل این تحولات را به احتمال فراوان باید جذابیت ابعاد فردی و اجتماعی زندگی ائمه علیهم‌السلام و دل‌بستگی مردم به سیره آنان دانست. این جریان مبتنی بر نگرش شخصی و البته باورهای عامیانه غالب بر جامعه شکل گرفت. پردازش زندگانی ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه در بُعد مصائب ایشان و نیز اجرای شهادت آنان به گونه روایت‌های داستانی تغییر پیدا کرد که گاه با گزارش‌های تاریخی و روایات و احادیث با ناهم‌خوانی توأم بود و جنبه‌های داستانی بر آن چیره می‌شد؛ موضوعی که به تدریج مبدل به بخشی از فرهنگ عامه گردید. آثار تولیدی تا حد زیادی دربردارنده ویژگی‌های هنری ممتاز در عرصه مرثیه‌سرایی بود، به نحوی که در دوره قاجار آثار ممتازی به این شیوه تولید گردید که دربردارنده ابعاد گوناگونی از فرهنگ شیعی محسوب می‌شود و این امر مطالعه دقیق و احیاء این آثار از سوی پژوهشگران معاصر را ضروری می‌نماید. در این خصوص دیوان أسرار الشَّهادة (دیوان سرباز) اثر اسماعیل بروجردی متعلق به دوره قاجار را می‌توان در زمره این آثار برشمرد.

نمادهای شیعی در باور جمعی

پس از تثبیت و ترویج تشیع از سوی حکمرانان صفوی و حکومت‌های کوتاه‌مدت افشاریه (۱۲۱۸-۱۱۴۸ق) و زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۲ق) که گاه نیز توأم با قبض و بسط‌هایی بود، موقعیت دینی و مذهبی در عصر قاجار (۱۳۴۳-۱۲۱۰ق) به گونه خاصی استمرار یافت که متعاقباً تأثیری آشکار بر کلیه مناطق ایران داشت. کشور از رنگ کاملاً مذهبی برخوردار و شاهان قاجار چهره مذهبی خود (خواه حقیقتاً مبتنی بر باور قلبی و خواه در راستای عوام‌فریبی) را روز به روز نمایان‌تر می‌کردند. نگاهی به کارنامه این پادشاهان نشان می‌دهد که در مجموع گرایش‌های دینی داشته و با انجام فرائض دینی و ساخت و بازسازی مکان‌های مذهبی و احترام به مقامات روحانی، اظهار دینداری می‌کرده‌اند. زندگی آقا محمدخان در دوران حکمرانی (۱۲۱۲-۱۲۱۱ق) نشان می‌دهد که عنصری از دیانت شدید و کاملاً سنتی و متمایل به کهنه‌پرستی در او وجود داشته است. فتح‌علی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ق) به نفوذ روحانیت علاقه‌مند و همین امر باعث گردید در دوره او سیاست مذهبی یکسانی به کار گرفته شود. او در انجام اعمال دینی غفلت نمی‌کرد تا شاید تأیید علمای مذهبی را کسب نماید و در این راه کوشید که در میان علما جایگاهی

برای خود به دست آورد. محمدشاه (۱۲۶۴-۱۲۵۰ق) تا حدودی به واسطه افکار صوفیانه به تنش با علمای شیعی پرداخت، اما همچنان باورهای شیعی بر جامعه حاکم و در استمرار بود. ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ق) به بهبود رابطه دولت و علمای مذهبی کمک نمود و در دوره حکومت او، ارتباط بین دولت و علمای دینی در جریان بود و متعاقباً نمودهای شیعی با تأکیدی بیشتر از سایر حکمرانان قاجاری دنبال گردید (آلگار، ۱۳۶۹: ۱۶۹، ۱۴۹، ۸۴، ۷۹؛ حائری، ۱۳۹۴: ۳۵۰-۳۳۰؛ طایفی، ۱۳۸۹الف: ۱۰۱).

مبتنی بر جریان حاکم بر جامعه، طبیعی بود که پرداختن به مضامین نمادین شیعی در آثار شعرا و هنرمندان بیش از پیش در اولویت قرار گیرد، در این زمینه می‌توان به توجه بیش از پیش به موضوع شهادت ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و به‌ویژه سیدالشهداء^{علیه‌السلام} که از جمله وقایع مهم در تاریخ اسلام محسوب می‌گردد اشاره نمود. یکی دیگر از این نمودها را می‌توان در محافل «شبه‌گردانی» یا «شبه‌خوانی» یا «تعزیه» شاهد بود که در اصل بر پایه قصه‌ها و روایات مربوط به زندگانی و مصائب خاندان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم} و علی‌الخصوص وقایع و فجایعی که در سال ۶۱ق. در کربلاء برای امام حسین^{علیه‌السلام} و خاندانش پیش آمد، بنا نهاده شده بود. به نظر می‌رسد که مراسم تعزیه از زمان حکومت سلسله آل بویه در ایران آغاز گردید، ولی به احتمال فراوان تعزیه به گونه‌ای که با قواعد نمایش نویسی اولیه تطبیق نماید، از دوره صفویه شروع شده و آنچه قبل از آن وجود داشت تنها در حد نوعی عزاداری و نوحه‌سرایی بوده است.^۱ با این وجود، تعزیه‌خوانی در دوره قاجار، از رشدی چشمگیری برخوردار شد و به همین سبب این دوره را عصر طلایی تعزیه و تعزیه‌خوانی در ایران می‌دانند. تعزیه در ابتدا صرفاً شامل بیان حوادث غمبار کربلاء بود؛ اما در عصر ناصری به تدریج از صورت کاملاً عزاداری خارج شد، به‌ویژه از این جهت که صاحبان قدرت سیاسی-اقتصادی، برای جلب توجه عموم مردم و افزایش اعتبار اجتماعی و وجهه ملی-مذهبی و نیز به منظور ارضاء حس غرور و خودنمایی و رقابت با سایر افراد، در پی نمایش امکانات مالی، تجملات، جاه و جلال برآمدند و روز به روز بروست و دامنه شیوه اجرایی این مراسم افزودند (لعل شاطری، ۱۳۹۷: ۱۴۵-۱۴۳).

احداث «تکیه دولت» در تهران را می‌بایست نقطه عطفی، در راستای احیاء مراسم تعزیه

۱. برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های مراسم تعزیه از دوره صفویه تا آغاز عصر حکمرانی ناصرالدین شاه قاجار رجوع کنید به: (تاوژنیه، ۱۳۳۶: ۴۱۴؛ کمپفر، ۱۳۵۰: ۱۸۱؛ دلاواله، ۱۳۴۸: ۱۲۵؛ نیبور، ۱۳۵۴: ۱۸۹؛ فرانکلین، ۱۳۵۸: ۷۳-۷۰؛ دروویل، بی‌تا: ۱۱۲؛ کوزوف، ۱۳۷۲: ۲۴۳؛ فلاندن، ۱۳۳۶: ۱۱۲).

مبتنی بر نگرش فوق دانست که تا حد زیادی مبتنی بر رویکردهای سیاسی بود. شیوه فضا سازی و تعیین جایگاه سلطنتی- جایی که شاه اجرای نمایش ها را تماشا می کرد و در ابتدای مراسم مورد احترام و خوشامدگویی بازیگران قرار می گرفت- نشانگر مکان والا و منحصر به فرد او در میان مخاطبان بود. این فضای تشریفاتی عنصری برای نمایش قدرت سلطنتی محسوب می شد که شاه می توانست ضمن نشان دادن برتری خود بر دیگر طبقات، در میان ساکنین تالار مشاهده شود. چنین فضا سازی معناداری، حاکی از اصرار و حساسیت حاکمیت است بر به رخ کشیدن قدرت خود در میان توده های اجتماعی. به این ترتیب، از سویی شاه می توانست قدرت سیاسی خود را از طریق مراسم مذهبی مشروعیت بخشد و از سویی این نمایش موجب جریحه دار شدن احساسات در بین حضار و حتی دیپلمات های خارجی^۱ می شد (رحیمی، ۱۳۹۶: ۳۸-۳۶).

با بررسی سیر رشد و گسترش توجه به نمادهای شیعی در باور جمعی -از سوی حکمرانان و عموم مردم- می توان دریافت که بسترهای لازم برای بروز این تحولات از سال های نخستین قاجاریه آغاز و زمینه برای خلق آثاری در این حوزه فراهم گردیده است. علاوه بر احیاء و رواج سنت تعزیه خوانی، در عرصه ادبیات نیز این رویکرد به وجود آمد و ثمره آن خلق آثار بیشتری نسبت به گذشته در رثای ائمه اطهار^{علیهم السلام} مبتنی بر خواست مخاطبان بود. در این بین رواج صنعت چاپ (سربی و سنگی) نیز امکان انتشار آسان تر آثار تولیدی مورد اشاره در میان اقشار گوناگون جامعه را به همراه داشت.

مرثیه سرایی در شأن اهل بیت^{علیهم السلام}

با توجه به سیر تحولات ادبی- تاریخی می توان چنین دریافت که یکی از موضوعات مورد توجه از سوی ادیبان، مقتل نویسی^۲ محسوب می گردید که خود، بخش مهمی از تاریخ نویسی در

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: (شیل، ۱۳۶۸: ۶۵؛ پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۴؛ سرن، ۱۳۶۳: ۱۹۴؛ پنجابین، ۱۳۶۳: ۲۹۵؛ فوروگاوا، ۱۳۸۴: ۷۳؛ فورویه، ۱۳۶۸: ۱۸۹؛ بروکش، ۱۳۷۶: ۲۲۶).

۲. «مقتل» گرچه در لغت به معنی قتلگاه، کشتارگاه و محل کشتن آمده، ولی در فرهنگ اسلامی این واژه به اخبار و روایات حادثه های خونین که در آن شخصیتی بزرگ کشته شده باشد اطلاق گردیده است. از قرون اولیه هجری، مقتل نویسی در میان اهل فرهنگ شیعی رایج بوده است، اما از آنجا که در میان سرگذشت های قربانیان بزرگ تاریخ، ماجرای شهادت امام حسین^{علیه السلام} و یارانش از دیگران غم انگیزتر و جانگدازتر بود، این اصطلاح در نقل رویدادهای مربوط به مقتل آن حضرت منحصر گردید و متعاقباً از عصر صفوی مبدل به یک سنت ادبی و ابزاری

حوزه‌های شیعی در چند سده اخیر را تشکیل می‌داد. با وجود این که اهمیت یافتن عزاداری برای ائمه علیهم‌السلام با رویکردی ویژه به واقعه کربلاء و قیام سیدالشهداء علیه‌السلام از پیش از دولت صفوی در شرق ایران کاملاً مشهود است، با روی کار آمدن آنان، مراسم سوگواری عاشوراء قوت تازه‌ای گرفت و متونی تازه در این زمینه تألیف شد؛ این وضعیت همچنان رو به رشد بود و تا انتهای دوره قاجار با قوت تمام ادامه یافت و آثاری در این زمینه (از نثر و نظم) بر میراث پیشین افزوده می‌شد. نکته قابل توجه در مقتل نویسی‌های دوره قاجار آن است که عمدتاً از زاویه اندوه و غم و مصیبت و ابتلاء، به موضوع پرداخته و کوشیده شده است تا پیش از آن که متنی تاریخی در اختیار مخاطب قرار گیرد، اثری حزن‌آور، آن هم به قصد روضه‌خوانی و تحریک احساسات و عواطف، تولید شود. غالب این آثار برای مجالس سوگواری و با هدف فراهم کردن زمینه برای عزاداری‌های عمومی تألیف شده است. به عنوان نمونه از جمله آثاری که از دوره صفوی به بعد، به ویژه در دوره قاجار به طبع رسیده است، می‌توان این کتاب‌ها را نام برد:

ابتلاء الاولیاء، ازاله الاوهام فی البكاء، اکسیر العبادۀ فی أسرار الشَّهادۀ، امواج البكاء، بحر البكاء فی مصائب المعصومین علیهم‌السلام، بحر الحزن، بحر الدموع، بحر غم، بستان ماتم، بکاء العین، بلاء و ابتلاء، بیت الاحزان، خلاصه المصائب، دمع العین علی خصائص الحسین علیه‌السلام، الدمعہ الساکبہ فی المصیبہ الراتبه، ریاض البكاء، روضه حسینیہ، روضه الخواص، روضه الشهداء علیهم‌السلام، ریاض الاحزان، ریاض الشَّهادۀ فی ذکر مصائب الساده، سرالأسرار فی مصیبہ ابی الائمہ الاطهار علیهم‌السلام، طریق البكاء، طوفان البكاء، عمان البكاء، عین البكاء، عین الدموع، فیض الدموع، قبسات الاحزان، کنز الباکین، کنز المحن، کنز المصائب، لب عین البكاء، لسان الذاکرین، ماتمکده، مبکی العیون، مجالس المفجعہ، مجری البكاء، مجمع المصائب فی نوائب الاطائب، محرق القلوب، محیط العزاء، مخزن البكاء، معدن البكاء فی مقتل سید الشهداء علیه‌السلام، مفتاح البكاء فی مصیبہ خامس آل عبا علیهم‌السلام، مفتاح البكاء، مناهل البكاء، منبع البكاء، مهیج الاحزان، نجات العاصین، نورالعین فی جواز البكاء، وسیله البكاء، وسیله النجاه، ینبوع الدموع. دقت در اسامی این کتاب‌ها، نشانگر آن است که چند مفهوم کلیدی در آن‌ها مورد توجه بوده است: بُکاء، حُزن، ابتلا، اشک و مصیبت. به عبارتی: شهادت ائمه علیهم‌السلام و به ویژه واقعه کربلاء در دوره قاجار، بیشتر از زاویه این مفاهیم مورد توجه قرار گرفته و متعاقباً نگرش تاریخی در آن‌ها کمتر مد نظر بوده است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۶).

با بررسی دیوان‌های طبع شده در دوره قاجار همچون آسار الشَّهاده اثر اسماعیل بروجردی (سرباز)، گونه‌ای از ادبیات منظوم قابل مشاهده است که مبتنی بر پیروی از الگوهای مقتل‌نویسی است که در آن مرثیه‌سرایی مذهبی نیز مورد نظر قرار گرفته است. با تأمل در پیشینه این رویکرد در ایران از دوره حکومت آل بویه که تشیع رونق و رواج یافت و نام گرامی ائمه اطهار علیهم‌السلام حرمت خداداد خویش را بازیافت، شعرای ایرانی در مدایح و رثای خاندان نبوت سخن‌سرایی کردند و این چراغ روز به روز بر روشنایی خود افزود تا نوبت به صفویه رسید و شاعری همچون محتشم کاشانی در دربار شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰ ق) مبدل به مشهورترین مرثیه‌گوی مذهبی ایران گردید؛ اگرچه قبل و بعد از او شعرای بسیاری به خلق آثاری پرداخته بودند اما به شهرت و محبوبیت او در نزد مردم دست نیافتند (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۱۰؛ رضازاده شفق، ۱۳۵۲: ۵۶۴).

مبتنی بر این سنت ایجاد شده در میان اهل ادب و تحت حمایت دربار قاجار، از سویی به واسطه رواج مجالس روضه‌خوانی و از سوی دیگر به دلیل توجهی که پادشاهان و رجال درباری به برپایی مراسم سوگواری بخصوص در ایام محرم و صفر داشتند، مرثیه‌سرایی رونق تازه‌ای یافت و آثار برجسته‌ای در این زمینه تولید گردید. میرزا شفیع، ملقب به میرزا کوچک وصال شیرازی از شعرای این دوره، به تقلید از محتشم کاشانی مرثیه‌ای متعددی از خود به یادگار نهاد. شمس الشعرا سروش اصفهانی «شمس المناقب» که حاوی قصایدی در مدح و منقبت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان نبوت است و شصت بند مرثیه و یک مثنوی به نام «روضه الانوار» در ذکر واقعه کربلاء است را سرود. محمود خان ملک الشعرا، فرزند محمد حسین عندلیب و نواده فتحعلی خان صبا نیز چهارده بند مرثیه درباره حضرت سیدالشَّهداء علیه‌السلام را از خود به یادگار نهاد و فرصت الدوله شیرازی و یغمای جندقی نیز در خصوص واقعه کربلاء مرثیه‌هایی سرودند (مردانی، ۱۳۸۱: ۵۰).

۱. به عنوان نمونه می‌توان به روضه الشَّهداء اثر ملاحسین کاشفی شاعر معاصر یا سلطان حسین بایقرا (۹۱۱-۸۷۵ ق) اشاره داشت که قدیمی‌ترین کتاب مثنوی در مرثیه‌سرایی با تأکید بر واقعه کربلا محسوب می‌گردد. این کتاب به روضات مختلف تقسیم و در هر روضه به قسمتی از مصیبت وارده بر سیدالشَّهداء علیهم‌السلام و یاران او پرداخته و آن را در ایام عزاداری در مجالس و تکایا می‌خواندند. اصطلاح روضه‌خوانی نیز چنانکه مشهود است، از همین جا ایجاد گردیده است. علاوه بر این، از دیگر شاعران قرن نهم هجری که در ذکر مصائب خاندان عترت و رسالت اشعاری سروده‌اند می‌توان به کمال غیاث شیرازی، بابا سودانی ابیوردی، تاج‌الدین حسن توفی سبزواری، کاتبی ترشیزی، خواجه اوحد سبزواری، لطف‌الله نیشابوری و ابن‌حسام قهستانی صاحب خاورنامه (مثنوی در شرح غزوات حضرت علی علیه‌السلام) اشاره داشت (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۱۱-۱۱۰).

یکی از دلایل رشد این گونه از شعر را باید در علایق هنری مبتنی بر نگرش مذهبی حکمرانان قاجار جستجو نمود. فتحعلی‌شاه از طبعی ملایم برخوردار و مشوق شعر و ادبا محسوب می‌گردید و تخلص شعری او خاقان بود و ناصرالدین‌شاه نیز دارای طبع شعری و انتخاب فردی در دربار و اعطای القابی چون «ملک الشعرا» و «شمس الشعرا» نشان‌دهنده علاقه او به شاعران بود (شمیم، ۱۳۸۹: ۳۸۷-۳۸۶). ناصرالدین‌شاه که خود در شعر دارای قریحه و از توانایی سرایش برخوردار بود و از او با تخلص «ناصر» اشعاری به یادگار مانده است، گاه از سوی اطرافیانش مورد تمجید قرار می‌گرفت، چنان‌که نوۀ دختری ناصرالدین‌شاه آورده است: «او را طبعی حساس و ذوقی سرشار بود و به شعر و ادب تمایل بسیار داشت. خود، شعر خوش می‌سرود و اشعار بسیاری از استادان سخن ایران و عرب از برداشت^۱» (معتبرالمالک، ۱۳۹۰: ۳۶). با بررسی دیوان برجای‌مانده از ناصرالدین‌شاه می‌توان دریافت که در میان سروده‌ها و اشعار او، مراثی و اشعار مذهبی از جایگاه ویژه برخوردار بوده است. در مجموع، تمامی مراثی و اشعار مذهبی ناصرالدین‌شاه از لطف و زیبایی خاص برخوردار است و به احتمال فراوان معروفیت ادبی او در حوزه شعر، بیشتر مربوط به همین گونه اشعار است، چنان‌که به عنوان نمونه او علاقه خاصی نسبت به سیدالشهداء^ع و سایر شهدای کربلاء داشت و این طرز تفکر، در اشعارش نمود یافت:

خُرَمِ دلی که مَنبِعِ آنهارِ کوثر است کوثر کجا ز دیده پُراشک بهتر است
نام حسین و کربلا هر دو دل رباست نام علی‌اکبر از آن دل‌باتر است
(قاجار، ۱۳۹۰: ۹۳-۹۲).

مبتنی بر بسترهای مذهبی ایجاد شده از سوی حکمرانان در عصر قاجار - خواه بر اساس علاقه و باورهای قلبی و خواه برای بهره‌گیری در راستای کسب مشروعیت - فضایی برای شاعران در سرتاسر ایران فراهم گردید تا در حوزه سرایش اشعاری در رثای اهل بیت^ع به طبع آزمایی بپردازند. متعاقباً در این بین توجه به نمادهای شیعی همچون: شهادت خاندان نبی مکرم اسلام^ع از موضوعاتی بود که حامیان و مخاطبان آن، تمامی اقشار جامعه را شامل

۱. با این حال، اشعار باقی‌مانده از ناصرالدین‌شاه از لحاظ کمیت چشمگیر نبوده و شامل سروده‌های مذهبی و مراثی، رباعیات، قطعات، مخمس و غزلیات ناتمام و پراکنده و مفردات می‌باشد. اما اشعار او از لحاظ کیفیت از مفهوم و معانی قابل توجه و ارزشمندی برخوردار است (قاجار، ۱۳۹۰: ۸۹).

می‌گردید. براین اساس، موجی از تولید آثار مقتل‌گونه، حیات ادبی جامعه را در بر گرفت که در آن مصائب و شهادت امامان شیعی با تأکید ویژه بر واقعه کربلاء، مورد توجه شاعران بود؛ أسرار الشَّهادة (دیوان سرباز) را می‌توان نمونه‌ای از این گونه نگرش در میان اهل فرهنگ در عصر قاجار دانست.

روح شیعی در لرستان و پرورش اسماعیل بروجردی

پیش از بررسی زندگانی اسماعیل بروجردی، یکی از موضوعات ضروری پرداختن به بستری است که او در آن رشد و نمو یافته است. سرباز اثر خود را تا حد زیادی متأثر از فرهنگ حاکم بر لرستان آن روزگار علی‌الخصوص باورهای مذهبی رایج جامعه آن خلق کرده است. از دوران پیش از اسلام تا دوره قاجار، مذاهب و مسلک‌های گوناگونی در لرستان رواج داشت. این مذاهب چه در قالب ابتدایی آن نظیر توت‌میسیم^۱ و چه در گونه پیشرفته آن همچون آیین زرتشت و اسلام، نقش شایان توجهی در شکل یافتن هویت اجتماعی و فرهنگی؛ باورها، اعتقادات و آیین‌های بومی مردم این ناحیه ایفاء کرده است. پس از ورود اسلام به ایران و گسترش آن، بسیاری از اعتقادات گذشته به فراموشی سپرده شد یا در قالب دین تازه، جلوه‌ای دیگر یافت. در قرون نخستین، اسلام به تدریج قادر شد در میان مردم محبوبیت یابد و مبدل به عقیده حاکم گردد. پس اکثریت قریب به اتفاق مردم لرستان به سنت، که مذهب رسمی خلفای عباسی (۶۵۶-۱۳۲ق) بود، گرویدند. در قرن چهارم هجری با روی کار آمدن آل بویه، تشیع در لرستان پیروانی یافت، ولی با حاکمیت ترکان سلجوقی (۵۹۰-۴۵۵ق)، مجدداً مذهب سنت و جماعت مورد توجه قرار گرفت و در قرن هفتم که مقارن با دوره حاکمیت مغولان بر ایران و اتابکان لر لرستان بود نیز، مذهب اهل تسنن، رایج گردید. از قرن هشتم و به‌ویژه از نیمه دوم آن، اتابکان لر کوچک همگام با برخی مناطق ایران،

۱. توت‌میسیم را می‌توان یکی از آغازین گونه‌های دینی و معنوی و از نخستین نمونه‌های اندیشه ماورائیانۀ انسان دانست. باورهای مربوط به توت‌م در عصر کهن سنگی (شکار و گردآوری غذا) آغاز گردید. توت‌م به دودسته عمده گیاهی و حیوانی تقسیم می‌شود و چون در گروه‌ها و قبایل توت‌می، گیاه یا حیوان را همچون نیای اولیه خود و همچنین خدای اختصاصی قبیله قلمداد می‌کردند و آن را گرامی می‌داشتند. انسان‌های ابتدایی براین باور بودند که توت‌م از توانایی‌های متعددی همچون دفع دشمنان از آن‌ها و یا خبر از آینده برخوردار است (زادگان: ۱۳۷۲: ۳۱؛ معصومی: ۱۳۸۶: ۶۷؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۰۷).

۲. در پی استیلای مغولان بر ایران، لرستان به دو بخش تقسیم گردید. لر بزرگ شامل کوه‌گیلویه و بختیاری و لر کوچک شامل استان‌های لرستان و ایلام کنونی گردید.

گرایش‌هایی به تشیع از خود نشان دادند، چنانکه امرای لر کوچک خود را «عباسی» نامیدند. به این معنا که آن‌ها نسب‌نامه‌ای جدید ترتیب داده و خود را از اولاد ائمه اطهار^ع معرفی و نسبشان را به عباس بن علی^ع رساندند. این اقدام را می‌توان نوعی پاسخگویی به روح جمعی جامعه قرن نهم ایران و به‌ویژه منطقه لرستان دانست. اتابکان با چنین نسب‌نامه‌ای، هرچند جعلی، در پی کسب مشروعیت لازم برای بقا حکومت خود بودند و در این راه نیز توفیق یافتند؛ چنان‌که یکی از دلایل استقرار مجدد این سلسله توسط شاه اسماعیل اول صفوی، همین اعتقاد آن‌ها به تشیع و انتسابشان به حضرت ابالفصل^ع و روی‌آوری جمع کثیری از مردم لرستان به تشیع بود (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۶۸-۱۶۷، ۱۶۲-۱۵۸). پس از صفویه و حکومت‌های افشار و زند، درباره نگرش مذهبی منطقه لرستان در عصر قاجار می‌توان بیان داشت، با وجود این که تهران به عنوان پایتخت محسوب می‌گردید، اما توجه به نمادهای شیعی در سایر مناطق ایران همچون لرستان با رویکردی ویژه همراه بود. به عنوان نمونه گزارش حسنعلی‌خان افشار - درباره آیین تعزیه و شیوه برپایی آن در لرستان - که از پیشخدمت‌های خاصه ناصرالدین‌شاه بود و در آغاز سال ۱۲۶۶ق. مأمور رساندن خلعت^۱ شاه برای حکمرانان استان‌های جنوب غربی کشور می‌شود گواهی بر این جریان است (افشار، ۱۳۸۲: ۸۲).

زندگی‌نامه

اسماعیل‌خان بروجردی، معروف به سرباز، از جمله شعرايي است که با وجود اشتها ر نسبي در دوره قاجار، نه تنها در لرستان، بلکه در پایتخت و میان ادیبان نیز تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته است.^۲ قدیمی‌ترین منبعی که به او اشاره‌ای داشته، «سینه‌المحمود» است که محمود میرزا آن را به امر پدرش فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۴۰ق. به نگارش درآورده و در آن به شرح احوال و آثار سیصد و پنجاه و هشت تن از شاعران معاصر خود پرداخته است. محمود میرزا چنین می‌نویسد: «نامش اسمعیل خان، از احشامات فیلی لرستان است و از طایفه کاکاوند» (قاجار، ۱۳۴۶: ۱/۳۷۲). بر این اساس نخستین موضوع مطرح، اصل و نسب اوست. والیان فیلی در سال ۱۰۰۶ق. به دستور شاه عباس، حاکم لرستان شدند. آن‌ها تا اوایل دوره قاجار بر سراسر لرستان پیشکوه و پشتکوه

۱. لباسی که از طرف شاه به عنوان هدیه به کسی داده شود.

۲. این جریان را می‌توان به دو علت جدی مرتبط دانست. نخست گزارش‌های اندک منابع دست اول به شرح زندگانی او و دیگر عدم توجه جدی از سوی پژوهشگران به ادیبان بومی مناطق، که این امر نیازمند بازنگری جدی می‌باشد.